



نگاهی به زندگانی و شهادت علی اکبر علیه السلام

پدیدآورده (ها) : حسینی، مرتضی

تاریخ :: سخن تاریخ :: زمستان 1385 - شماره 1

از 53 تا 68

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/861332>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 19/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

نگاهی به زندگانی و شهادت علی اکبر علیه السلام

سیدمرتضی حسینی *

چکیده

علی اکبر علیه السلام، فرزند ارشد امام حسین علیه السلام و از چهره‌های شاخص قیام عاشورا است. چند سالی از زندگانی جد بزرگوار خویش، امام علی علیه السلام، را درک کرده و اخباری نیز نقل نموده است. مادرش لیلا، دختر میمونه بنت ابی سفیان حرب است و هیچ دلیل قابل قبولی بر حضورش در ماجرای کربلا موجود نیست.

کلید واژه: علی اکبر علیه السلام، عاشورا، امام حسین علیه السلام.

مقدمه:

واقعه عاشورا گرچه به مانند هر پدیده تاریخی دیگر در مقطع زمانی مشخص و مکانی ویژه‌ای اتفاق افتاد، با این وجود پیامی فراتر از مقیاس‌های زمانی و مکانی خویش داشت. به طوری که با گذشت قریب چهارده قرن از وقوع این حادثه عظیم، هنوز نام و یاد آن زنده است و الهام‌بخش جنبش‌های ظلم‌ستیزانه بسیاری می‌باشد.

دانش‌پژوه کارشناسی تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی ره.

عاشورا، دانشگاه عشق است. تجلی گاه ایثار و از خودگذشتگی، عزت و سر بلندی، وفا و پایداری و پایمردی است. آکنده از درس و پیام‌هایی است که پیام‌آوران عاشورا مسؤول تبلیغ و بازگویی آنند. عالمان، خطیبان، مبلغان و مرثیه‌گویان عاشورایی، عهده‌دار این رسالتند؛ و موظفند یاد و خاطره عاشورا و شهدای آن را زنده نگاه دارند تا همگان بدانند که ستیز حق و باطل دائمی است و پایان نمی‌یابد. این رسالت مبلغان و پیام‌آوران کربلاست که با حفظ ارزش‌های متعالی و عزت حسینی آن را به نسل‌های آتی منتقل کنند. اما، در نهایت تأسف، در مواردی چند، عده‌ای بنابر انگیزه‌های گوناگون تعهد مزبور را نادیده گرفته و با زیر پا گذاردن ارزش‌های عالی و متعالی قیام کربلا اقدام به تحریف تاریخ عاشورا نموده‌اند.

بنابراین اساس و نیز اهمیت و برجستگی خاص فکری - عقیدتی ماجرای عاشورا، شرایط ایجاب می‌کند پژوهشگرانی پای به عرصه تحقیق گذارند و با پژوهش در تاریخ کربلا، به تفکیک واقعیت از تحریف بپردازند و نیز به بیان چهره حقیقی حادثه کربلا همت گمارند. از سویی، واقعه عاشورا واقعه‌ای بس عظیم است و پرداختن به جزء جزء حوادث آن نیازمند زمان، ابزار و امکانات وسیع و گسترده‌ای است که در توان یک مقاله مختصر نیست. از سوی دیگر، علی‌اکبر علیه السلام یکی از برجسته‌ترین شهدای صحنه کربلاست که در فرهنگ محترم و سوگواری امام حسین علیه السلام به وی بهای شایانی داده شده است؛ در حالی که زندگانی و شهادت او در هاله‌ای از ابهام باقیمانده و همراه و آمیخته با تحریف بیان می‌شود. بنابراین نوشتار حاضر بر حسب وظیفه توجه خویش را به حضرت علی‌اکبر فرزند امام حسین علیه السلام مبذول نموده و می‌کوشد تا با پژوهش در منابع تاریخی تصویری به نسبت واضح و روشن از زندگانی و شهادت وی ارائه نماید. در واقع موضوع این سخن زندگانی و شخصیت علی‌اکبر علیه السلام و مقصود آن زدودن زنگار جعل و تحریف از تاریخ زندگی اوست.

ولادت علی‌اکبر علیه السلام

شیخ مفید در «الارشاد» می‌نویسد:

«علی‌اکبر علیه السلام هنگام شهادت بیش از ده سال و تقریباً میان سیزده تا نوزده سال سن داشت»^۱.

۱ - مفید، شیخ ابوعبدالله؛ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق، جلد ۲، ص ۱۰۶.

طریحی در «المنتخب» سنّ علی اکبر علیه السلام را در روز عاشورا هفده سال^۲ و خوارزمی هیجده سال بیان می‌کند.^۳

ابن شهر آشوب نیز او را هیجده ساله معرفی می‌کند و خاطرنشان می‌شود: سنّ علی اکبر علیه السلام را بیست و پنج سال هم ذکر کرده‌اند.^۴
مؤلف «ناسخ التواریخ» نیز می‌نویسد:

«ابن شهر آشوب گوید: علی اکبر علیه السلام بیست و پنج ساله بود در یوم طفّه، اما روایت هیجده ساله اصح است»^۵.

بنابر دیدگاه‌های ارائه شده ولادت علی اکبر علیه السلام به ظاهر، بعد از شهادت جدّش امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده است. در حالی که بنابر نقل ابوالفرج اصفهانی که نقل پسندیده‌تر و مطمئن‌تری است، علی اکبر علیه السلام در ایام خلافت عثمان بن عفان دیده به جهان گشوده و روایاتی نیز از جدّ بزرگوار خویش، امام علی علیه السلام و نیز عایشه نقل نموده است.^۶
«ابن ادریس» هم که یکی از علمای مورد احترام و صاحب فن است بر همین عقیده است و می‌نویسد:

«ابن علی بن الحسین علیه السلام در دوران خلافت عثمان متولد شده است و از جدّش علی بن ابی طالب علیه السلام روایت نقل کرده است»^۷.

به بیان دقیق‌تر آن چه صحیح به نظر می‌رسد تولد علی اکبر علیه السلام روز یازدهم شعبان سال سی و سوم هجری یعنی دو سال پیش از قتل عثمان است.^۸ بدین ترتیب هنگام شهادت نیز حدود بیست

۲ - طریحی، فخرالدین؛ *المنتخب للطریحی*؛ بیروت: مؤسسه الا علمی للمطبوعات، ص ۴۴۳.

۳ - خوارزمی، ابن‌اخطب؛ *مقتل الحسین*؛ قم: انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ، ق، جلد ۲، ص ۳۴.

۴ - ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب؛ بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ، ق، ج ۴، ص ۱۱۸.

۵ - سپهر، میرزا محمد تقی؛ *ناسخ التواریخ (در احوالات حضرت سیدالشهدا)*؛ تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۹۸ هـ، ق، ج ۶، ص ۳۵۶.

۶ - اصفهانی، ابوالفرج؛ *مقاتل الطالبین*؛ قم: مؤسسه دارالکتاب، چاپ دوم، ص ۵۳.

۷ - حلی، محمد بن ادریس؛ *السرائر*؛ مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ، ق، جلد ۱، ص ۶۵۴ (فصل فی الزیارات).

۸ - مقرر، سید عبدالرزاق؛ *علی اکبر*؛ بیروت: دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ، ق، ص ۱۲.

و هفت سال سن داشته است به خصوص که کلام متفق علیه مورخان و نسب شناسان می‌گوید: علی اکبر علیه السلام بزرگتر از امام سجاد علیه السلام و در واقعه کربلا بیست و سه ساله بوده است.^۹ لقب اکبر نیز ناظر به همین فزونی سن وی بر امام سجاد علیه السلام است، اگرچه برخی امام سجاد علیه السلام را بزرگتر از او دانسته‌اند.

به ظاهر، شیخ مفید از جمله نخستین کسانی است که به خلاف دیگران قائل به بزرگتر بودن امام سجاد علیه السلام بر علی اکبر علیه السلام است. او می‌نویسد:

«برای امام حسین علیه السلام شش فرزند بود:

۱- علی بن الحسین الاکبر، کنیه‌اش ابومحمد و مادرش شاه زنان

دختر یزدگرد شاه ایران بود.

۲- علی بن الحسین الاصغر که با پدرش در کربلا شهید شد و

مادرش لیلا دختر ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی است. و ...»^{۱۰}

ابن ادریس در برابر این سخن شیخ موضع گیری نموده است و می‌گوید: «آن شهید بزرگوار علی اکبر علیه السلام بود که در زمان خلافت عثمان متولد شد و از جدش امیرالمؤمنین روایت نقل کرده است.»^{۱۱}

سپس در ادامه می‌نویسد:

«در این باره رجوع به اهل فن که نسب شناسان علمای سیر و تواریخ و اخبارند سزاوارتر است، علمایی مانند: زیبر بن بکار در کتاب «أنساب قریش»، ابوالفرج اصفهانی در «مقاتل الطالبین»، بلاذری، مزنی، صاحب کتاب «لباب اخبار الخلفاء»، عمری نسابه در کتاب «مجدی» و...»^{۱۲}

پژوهش حاضر نیز موضع ابن ادریس را می‌پذیرد و در تأیید او نام برخی از مورخان را که به بزرگتر بودن علی اکبر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام اشاره یا تصریح کرده اند، برمی‌شمرد:

۹- همان جا ۶۶۵

۱۰- مفید، شیخ ابوعبدالله محمد بن محمد؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۱۳۵.

۱۱- حلی، محمد بن ادریس؛ السرائر؛ ج ۱، ص ۶۵۴

۱۲- همان، صفحه ۶۵۵

۱- ابومخف (م ۱۵۷ هـ. ق.)^{۱۳}، بلاذری (م ۲۷۹ هـ. ق.)^{۱۴}، یعقوبی (م ۲۸۴ هـ. ق.)^{۱۵}، طبری (م ۳۱۰ هـ. ق.)^{۱۶}، ابن سهل بلخی (م ۳۲۳ هـ. ق.)^{۱۷}، مسعودی (م ۳۴۶ هـ. ق.)^{۱۸}، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ هـ. ق.)^{۱۹}، ابن اخطب خوارزمی (م ۶۳۰ هـ. ق.)^{۲۰}، عبدالرحمان بن جوزی (م ۵۹۷ هـ. ق.)^{۲۱}، ابن اثیر جزری (م ۶۳۰ هـ. ق.)^{۲۲}، سبط بن جوزی (م ۶۵۴ هـ. ق.)^{۲۳}، اربلی (م ۶۹۲ هـ. ق.)^{۲۴}، ابن کثیر شامی (م ۷۷۴ هـ. ق.)^{۲۵}، ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ هـ. ق.)^{۲۶}، طریحی (م ۱۰۸۵ هـ. ق.)^{۲۷}.

نام مادر علی اکبر علیه السلام

اکثریت قریب به اتفاق مورخان علی اکبر علیه السلام را فرزند لیلا دختر ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی دانسته‌اند. اما در این میان نقل‌های ضعیفی نیز وجود دارد که حاکی از نام‌های آمنه بنت

- ۱۳ - ازدی، ابومخف؛ *واقعه الطف*؛ تحقیق: یوسفی غروی؛ محمد هادی؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ اول، ۱۳۶۷ هـ. ش، ص ۲۴۱.
- ۱۴ - بلاذری، احمد بن یحیی؛ *انساب الاشراف*؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چ اول، ۱۳۹۷ هـ. ق، ج ۳، ص ۱۴۶.
- ۱۵ - ابن ابی یعقوب، احمد، *تاریخ یعقوبی*؛ ترجمه: آیتی، محمدابراهیم؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ هشتم، ۱۳۷۸ هـ. ش، ج ۲، ص ۱۸۴.
- ۱۶ - طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ الامم و الملوك*، بیروت: دارالکتب العلمیه؛ چ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۳، ص ۳۳۰.
- ۱۷ - بلخی، احمد بن سهل؛ *البدء و التاریخ*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۴۶.
- ۱۸ - مسعودی، علی بن الحسین؛ *مروج الذهب و معادن الجواهر*؛ قم: دارالهجره، چ دوم، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۳، ص ۶۱.
- ۱۹ - اصفهانی، ابوالفرج؛ *مقاتل الطالبین*؛ ص ۵۲.
- ۲۰ - خوارزمی، ابن اخطب؛ *مقتل الحسین*؛ ج ۲، ص ۳۶.
- ۲۱ - ابن جوزی، عبدالرحمان؛ *المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم*؛ تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۵، ص ۳۴۰.
- ۲۲ - ابن اثیر جزری، علی؛ *الکامل فی التاریخ*؛ تحقیق: ابی الفداء عبدالله القاضی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چ سوم، ۱۴۱۸ هـ. ق، ج ۳، ص ۴۲۸.
- ۲۳ - ابن جوزی، سبط؛ *تذکره الخواص*؛ بیروت: مؤسسه اهل البیت، ۱۴۱۰ هـ. ق، ص ۲۲۹.
- ۲۴ - اربلی، علی بن عیسی؛ *کشف الغمه فی معرفه الانمه*؛ بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۵۰.
- ۲۵ - دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر؛ *البدایه و النهایه*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۲۰۱.
- ۲۶ - مالکی، ابن صباغ؛ *الفصول المهمه*؛ تهران: انتشارات علمی، چ اول، ۱۳۷۵ هـ. ش، ص ۱۹۷.
- ۲۷ - طریحی، فخرالدین؛ *المنتخب*؛ ص ۳۴۳.

ابی مرّة، شهربانو یا برّة است.^{۲۸} که با توجه به آرای کثیر مورخان و نیز منظور نمودن معیارهایی هم چون: کثرت نقل، اعتبار شخصیت نویسندگان و ناقلان، تبحر و چیره دستی آنان در علم تاریخ و نیز تقدم زمانی آنان، نام لیلا دختر ابی مرّة بن عروّة بن مسعود ثقفی برای مادر علی اکبر علیه السلام تثبیت و نام های دیگر از درجه اعتبار ساقط می گردد.

نسب و خاندان مادر علی اکبر علیه السلام

این بانوی بزرگوار در دامان «میمونه» که دختر ابی سفیان بن حرب بود چشم به جهان گشود.^{۲۹} جد لیلا، عروّة بن مسعود، از بزرگان و سرشناسان قوم خود بود و یکی از آن دو مردی است که کفار قریش می گفتند:

«لولا نزل هذا القرآن علی رجل من قریتین عظیم. چرا این قرآن بر مرد بزرگ و ثروتمندی از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است.»^{۳۰}

«عروّة» با کتابت و نوشتن آشنا بود و به سبب شرافت و مقامی که در میان قوم خویش داشت نماینده قریش برای عقد قرارداد صلح حدیبیه شد و به نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد. وی در سال نهم یا هشتم هجری مسلمان شد و از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه گرفت تا به سوی قوم و قبیله خویش باز گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدا به او اجازه نمی داد و می فرمود:

«می ترسم تو را بکشند.» اما به هر طریقی که بود پیامبر صلی الله علیه و آله را راضی کرد تا با تصمیم وی موافقت کند. «عروّة» وقتی به میان قوم و قبیله خویش بازگشت آنان را به اسلام فراخواند اما آن ها به جای اجابت دعوت، آزار و اذیتش نمودند.

سرانجام در یکی از سحرگاهانی که به بالای بام خانه خویش رفته بود و اذان می گفت تیر کینه و جهل یکی از افراد قبیله اش آمد و بر پیکر او نشست و وی را غرقه خون نمود. در همان هنگامی که این منادی اسلام در خون خویش می غلطید به وی گفتند: «در خونت چه می بینی؟» گفت: «کرامتی را که خداوند مرا با آن گرامی داشت و شهادتی را که پروردگار

۲۸- رک: ابن جوزی، سبط؛ تذکره الخواص؛ ص ۲۴۹ و ابن شهر آشوب؛ مناقب؛ ج ۴، ص ۱۱۸.

۲۹- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر؛ الاصابه فی تمییز الصحابه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ج اول،

۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۷، ص ۳۰۶.

۳۰- زخرف: ۳۱.

نصیب نمود. فقط می‌خواهم که مرا با شهدایی که در رکاب پیامبر ﷺ جنگیدند و کشته شدند دفن کنید». به خواسته‌اش عمل کردند و او را با شهدا به خاک سپردند.
وقتی خبر شهادت او به پیامبر ﷺ رسید ایشان فرمودند:

«مثل عروۃ به مانند آن رسولی است که خداوند در سوره یاسین یاد کرده است. قومش را به سوی خدا فراخواند و او را کشتند»^{۳۱}
پدر لیلا «ابومرۃ» است که در روزگار رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) متولد شد و از همراهی آن حضرت بهره برد.
هنگامی که «عروۃ» پدر ابومرۃ کشته شد او و برادرش «ابوملیح» به خدمت پیامبر ﷺ آمدند و ماجرای شهادت پدر را باز گفتند و همان‌جا بود که مسلمان شدند.^{۳۲}

حضور مادر علی اکبر ﷺ در کربلا

موضوع حضور مادر بزرگوار علی اکبر ﷺ در واقعه کربلا از جمله موضوعات مورد توجه و بی‌پاسخ تاریخ کربلاست.
برخی می‌گویند:

«امام حسین ﷺ به لیلا گفت که از جدم شنیدم: دعای مادر در حق فرزند مستجاب است. برو در فلان خیمه خلوت، موهایش را پریشان کن و در حق فرزندت دعا کن، شاید خداوند این فرزند را سالم به ما برگرداند»^{۳۳}

و نیز نقل می‌کنند: «بعد از این که حضرت لیلا رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد، نذر کرد: اگر خدا علی اکبر را سالم به او برگرداند و در کربلا کشته نشود از کربلا تا مدینه را ریحان بکارد؛ یعنی نذر کرد که سیصد فرسخ راه را ریحان بکارد!!»^{۳۴}

در کتاب «ریاض القدس» که یکی از معروفترین و محبوبترین کتاب‌های مقتل نزد مرثیه‌گویان و وعاظ کشورهای نظیر هندوستان، پاکستان و افغانستان است بیان شده است:
«در کتب مقاتل از مادر علی اکبر (ﷺ) چندان ذکری ننموده‌اند ولی از علیا مکرمه زینب بیشتر زاری و بی‌قراری نوشته‌اند. جهت این است که لیلا

۳۱- همان، ج ۴، ص ۴۰۷.

۳۲- همان، ج ۷، ص ۳۰۶.

۳۳- مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی؛ تهران: انتشارات صدرا، چ پانزدهم، ۱۳۶۹ هـ. ش، ج ۱، ص ۲۶.

۳۴- همان‌جا.

کانه خود را صاحب پسر نمی دانست؛ برای این که می دید سلطان مظلومان غریب و بی یاور مانده، لهذا پاکیزه منظری را از روی طوع و رغبت تصدق سر پدر کرد.

وقتی دید که زن ها و مختدرات همه بیرون دویدند و دور مرکب علی حلقه زدند، لیلا مثل قرص قمر یا چون خوشید انور سر از برج خیمه بیرون آورد و دید علی کفن به گردن انداخته و بر مرکب شهادت نشسته، آهی سوزناک از جگر کشید و فرمود: علی جان! رفتی؟ نور دیده رفتی؟ خدا به همراه تو. شیرم حلال باد! مرا در حضور فاطمه زهرا رو سفید کردی. نور دیده برو و حفظ جان پدر کن.

این بگفت و پرده خیمه را انداخت و دل از پسر کند؛ اما چگونه آرام بگیرد؟! فرش خیمه را برچید و بر خاک نشست. مقنعه از سر کشید. گیسوی مشکین پریشان کرد و مشت مشت خاک برمی داشت و بر سر می ریخت و از سیاه بختی و روز سختی خود می نالید و با خدا مناجات می کرد و می گفت: یا راد یوسف علی یعقوب و یا راد اسماعیل علی هاجر! رد علی ولدی: ای خداوند بی مانندی که یوسف را بعد از چهل سال به یعقوب برگرداندی و اسماعیل را دوباره به هاجر رساندی! علی اکبر مرا هم به من برگردان.^{۳۵}

یکی از نویسندگان معاصر در کتابی که پیرامون واقعه کربلا نگاشته است و دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز آن را به چاپ رسانیده است، می نویسد:

«نقل شده است که امام حسین علیه السلام رنگش متغیر شد لیلا گفت: «به علی آسیبی رسید؟» فرمود: «نه، لکن کسی به جنگ او آمده که من از او می ترسم. برای او دعا کن. فانی سمعت جدی رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: دعا الوالدة يستجاب لولدها.»

لیلا داخل خیمه شد؛ سر را برهنه کرد و به دعا مشغول شد و گفت: «یا من رد یوسف علی یعقوب و رجع بصره اردد علی ولدی و احفظه من بکر بن غانم.» که در این هنگام، میان آن دو [علی اکبر علیه السلام و بکر بن غانم] درگیری شد که ناگهان علی دید از زیر بغل او زره پاره شده، با

۳۵- قزوینی، صدرالدین واعظ؛ ریاض القدس؛ تهران: انتشارات اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۶ هـ. ق. ج ۲، ص ۸

شمشیر ضربتی بر او وارد ساخت که او را دو نصف کرد و خداوند او را به
جهنم واصل نمود.^{۳۶}

مؤلف «ریاض القدس» در تبیین علت عدم حضور مادر علی اکبر علیه السلام بر سر نعش جوانش
می گوید:

«جهت پرسیدند که ای عروس فاطمه! چرا از خیمه بیرون نیامدی؟
در جواب فرمود: به خدا می خواستم که قبل از همه بیرون آیم اما از روزنه
خیمه همین که چشمم بر بدن چاک چاک بستم افتادم که با آن وضع روی
دست جوان هاست، روح از بدنم پرید و قدم خمید و افتادم. می خواستم که
برخیزم، دیدم کمر ندارم.»^{۳۷}

اما، واقع مطلب این است که وقایع مذکور از نظر تاریخی مردود است و هیچ سند و مدرک
تاریخی دال بر صحت این نقل ها وجود ندارد.

به اذعان محققین هیچ گونه دلیل صحیح و معتبری بر حضور یا عدم حضور حضرت لیلا علیها السلام در
کربلا نرسیده است و حتی زنده بودن آن بانوی محترمه تا آن زمان ثابت نشده است.^{۳۸}

صاحب «ریاحین الشریعه» نیز اذعان می دارد که در کتاب های تاریخی و مقتل ذکری، از
حضور لیلا در کربلا نشده است و آن جایی که این سخن به میان آمده اشعار و سروده های
شاعران پارسی گو و عرب زبان است. وی معتقد است: اگر مادر علی اکبر علیه السلام در سرزمین کربلا
حضور داشت، به ناچار ذکری از وی به میان می آمد و کتاب های مقتل بدان اشاره می کردند.
او می گوید:

«حتی پیرامون زنده بودن او نیز ولو در شهر مدینه، سخنی به میان
نیامده است.»

تنها خبری که این نویسنده پیرامون حیات حضرت لیلا نقل می نماید، خبری است از
مرحوم میرزا هادی خراسانی مورخ اسلامی در نجف اشرف، می نویسد:

« پای منبر او [میرزا هادی] بودم که ایشان از «أغانی» ابوالفرج
اصفهانی نقل می کرد که مردی از اعراب بر شتری سوار وارد مدینه گردید.

۳۶ - شیخ الاسلامی، سید حسین؛ قیام سالار شهیدان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹ ه. ش، ص ۱۹۱.

۳۷ - پیشین.

۳۸ - رسولی محلاتی، سید هاشم؛ زندگانی امام حسین علیه السلام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول،

۱۳۷۲ ه. ش، ص ۴۶۱.

عبورش به محله بنی‌هاشم افتاد. از خانه‌ای صدای شیون و ناله بلند بود. شتری که آن عرب سوار بود از شنیدن آن ناله در خانه زانو بر زمین زد و خوابید. مرد عرب در خانه آمد؛ استفسار حال آن ناله کننده نمود. کنیزکی عقب در آمد؛ او را گفت: این ناله کننده کیست که ناله او در حیوان تأثیر کرده؟ گفت: این ناله کننده ام لیلاست که از واقعه کربلا تا کنون از شیون و ناله آرام نگرفته است.^{۳۹}

نویسنده کتاب «زندگانی امام حسین (علیه السلام)» در همین رابطه می‌نویسد:

«هر چه تفحص و تتبع کردم، این مطلب را در آغانی نیافتم.»^{۴۰}

وی می‌گوید:

«بر فرض صحت این داستان نیز، ممکن است مربوط به «لیلی» دختر مسعود دارمی، همسر امیرالمؤمنین (علیه السلام) مادر عبدالله و ابوبکر فرزندان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده باشد که در کربلا به شهادت رسیدند ... از این رو بر فرض صحت و وجود چنین داستانی، باز هم دلیل بر این مطلب [زنده بودن یا حضور مادر علی اکبر (علیه السلام) در کربلا] نیست. و اما زبان حال و اشعاری هم که در این باره رسیده نیز نمی‌تواند دلیلی بر این مطلب باشد و چنانچه مرحوم حاجی نورالله رحمت‌الله علیه فرموده است، اصلی ندارد و زبان حال نیز همان گونه که از نامش پیداست زبان حال است و نمی‌تواند دلیل بر مطلبی باشد.»^{۴۱}

محدث و عالم نامدار، شیخ عباس قمی (رحمه الله) در «نفس المهموم» اظهار می‌دارد: به هیچ مأخذی که دال بر بودن یا نبودن آن بزرگوار در کربلا باشد دست نیافته است.^{۴۲} مرحوم مقرر نیز می‌نویسد:

«سال وفات این بانو و مقدار عمر او و نیز حضورش در کربلا بر ما روشن نیست هر چند که فاضل دربندی در کتاب «اسرار الشهادة»^{۴۳} از

۳۹ - مجلاتی، ذبیح‌الله؛ ریاحین الشریعه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۷۰ هـ، ش، ج ۳، ص ۲۹۷.

۴۰ - پیشین، ص ۴۶۱.

۴۱ - همان، ص ۴۶۱ - ۴۶۹.

۴۲ - قمی، شیخ عباس؛ نفس المهموم؛ ترجمه: ابوالحسن شعرانی؛ تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ص ۱۶۵.

۴۳ - دربندی، فاضل؛ اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات؛ بحرین: شرکت المصطفی للخدمات الثقافیه؛ چ اول، ۱۴۱۵ هـ، ق، ج ۲، ص ۶۴۱.

برخی کتب مجهول المؤلف متعرض این امر (حضور لیلا در کربلا) شده است، اما مورخین از این موضوع یاد نکرده‌اند و چه بسا که او قبل از واقعه عاشورا در گذشته باشد.^{۴۴}

بنابراین، حاصل این نقل و نقد در این سخن خلاصه می‌شود که هیچ سند تاریخی اطمینان آور حاکی از حضور مادر علی اکبر علیه السلام در صحنه حادثه کربلا وجود ندارد و نقل‌هایی که حضور لیلا علیها السلام در واقعه عاشورا را به تصویر می‌کشند ساخته و پرداخته متأخرین، نادرست و غیر قابل اعتماد است.

نبرد و شهادت علی اکبر علیه السلام

ناسخ التواریخ می‌نویسد: علی اکبر علیه السلام به هر سو که یورش می‌برد لشکریان دشمن به سان گله گرگ دیده، از شدت ترس و وحشت می‌گریختند و به یکدیگر برخورد می‌کردند؛ به طوری که در یک حمله او صد و بیست نفر از آنان با شمشیر او به درک واصل شدند.^{۴۵} و دلاوری او چنان بود که در یک هجوم دیگر، هشتاد تن از آنان را به هلاکت سپرد.^{۴۶}

برخی می‌نویسند: شخصی به نام طارق که از سوی عمر بن سعد تطمیع شده بود با نیزه به علی اکبر علیه السلام حمله کرد. علی علیه السلام نیزه او را رد نمود و چنان با نیزه خویش به سینه او کوبید که نیزه به اندازه دو وجب از پشت او بیرون شد. پس از آن، این مرد از اسب بر زمین افتاد و علی اکبر علیه السلام با اسب خویش بر بدن او تاخت و تمام جسد وی را پای مال سم اسب خویش نمود.^{۴۷}

عده‌ای نیز می‌گویند:

«آن چنان جنگید که داد و فریاد از لشکر بلند شد؛ و تنها کشته او صد بیست نفر و زخمی‌ها از اندازه بیرون بود.»^{۴۸}

اما واقع مطلب جز این نیست که در منابع نخستین تاریخ عاشورا ذکری از شمار کشتگان دشمن به دست علی اکبر علیه السلام نیامده و گزارش‌های نقل شده عاری از آرایه‌ها و توصیف‌های این چنینی است.

۴۴ - مقرر، سید عبدالرزاق؛ علی اکبر؛ ص ۱۱.

۴۵ - سپهر، میرزای محمدتقی؛ ناسخ التواریخ؛ ج ۶ ص ۳۵۲.

۴۶ - همان، ص ۳۵۴.

۴۷ - قزوینی، صدرالدین واعظ؛ ریاض القدس؛ ج ۲، ص ۷؛ کاشفی، ملا حسین واعظ؛ روضة الشهداء؛

تهران: چاپ‌خانه خاور، چ اول، ۱۳۳۴ هـ. ش، ص ۲۶۸.

۴۸ - شیخ الاسلامی، سید حسین؛ قیام سالار شهیدان؛ ص ۱۹۲.

منابع اصیل چنین گزارش می‌دهند که پس از شهادت یاران و اصحاب ابی‌عبدالله علیه السلام نوبت به اهل بیت امام حسین علیه السلام رسید. در این میان، نخستین کسی که از میان نزدیکان سیدالشهدا علیه السلام مهیای نبرد و رویارویی با دشمن شد، علی اکبر علیه السلام بود.^{۴۹}

این واقعیت در فرازی از زیارت ناحیه مقدسه نیز اشاره شده است، آن جایی که می‌فرماید:

«السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل

صلی الله علیک و علی ابیک: سلام بر تو ای نخستین کشته از دودمان بهترین

فرزند برگزیده ابراهیم خلیل، درود خدا بر تو و بر پدرت.»

علی اکبر علیه السلام که رخساری زیبا و خلقی نیکو داشت به حضور پدر آمد و اذن میدان طلبید. اباعبدالله علیه السلام بی‌درنگ به وی رخصت داد؛ سپس نگاهی ناامیدانه به قامت و اندام او انداخت و بی‌اختیار اشک از چشمانش سرازیر شد؛ رو به آسمان نمود و فرمود:

«خدایا! شاهد باش جوانی به سوی این سپاه رفت که از جهت اندام

و خلق و گفتار شبیه‌ترین مردم به رسولت بود و هر گاه مشتاق دیدار

پیامبرت می‌شدیم به او می‌نگریستیم.»^{۵۰}

پس از آن، خطاب به عمر بن سعد فریاد زد:

«ای پسر سعد! خدا رحم تو را قطع کند چنان که رحم مرا قطع

کردی»^{۵۱}.

علی اکبر علیه السلام رجز بر لب وارد میدان شد و فرمود:

أنا علی بن الحسین بن علی نحن و بیت الله اولی بالنبی
تالله لایحکم فینا ابن الدعی أضرب بالسیف أحامی عن أبی

ضرب غلام هاشمی قرشی^{۵۲}

پس از مدتی جنگ و نبرد، نزد پدر بازگشت و عرض کرد: «پدر

جان! تشنگی جان به لبم رسانده و سنگینی اسلحه رنجورم ساخته است.

۴۹ - ازدی، ابومحنف؛ *وقعة الطف*؛ ص ۲۴۱؛ اصفهانی، ابوالفرج؛ *مقاتل الطالبین*؛ ص ۵۲؛ مفید، شیخ

ابوعبدالله محمد بن محمد؛ *الارشاد*؛ ج ۲، ص ۱۰۶.

۵۰ - ابن طاووس، علی بن موسی؛ *التهوف علی قتلی الطفوف*؛ ترجمه: عقیقی بخشایشی؛ قم: دفتر نشر

نوید اسلام، چ دهم، ۱۳۸۱ ه. ش، ص ۱۳۸.

۵۱ - همان جا.

۵۲ - مفید، شیخ ابوعبدالله محمد بن محمد؛ *الارشاد*؛ ج ۲، ص ۱۰۶.

آیا ممکن است با کمی آب مرا از تشنگی برهانی؟» امام حسین علیه السلام گریست و فرمود: «وامصیتا! فرزند دلبندم! از کجا آب آورم؟ برو به میدان، نبرد کن؛ چرا که به زودی جدت محمد صلی الله علیه و آله را دیدار می کنی و از دست او جامی سرشار از آب می نوشی که بعد از آن هرگز تشنه نشوی.»^{۵۳}

علی اکبر علیه السلام به میدان بازگشت، مکرر رجز خواند و بر دشمن یورش برد اما کوفیان از رویارویی با وی می گریختند. مرتّبن منقذبن نعمان عبیدی او را دید؛ گفت: تمامی گناهان عرب به پای من باشد اگر این بار این جوان از کنارم بگذرد و من پدرش را به عزایش نشانم. هر دو درگیر شدند و مرتّبه با نیزه خود علی اکبر علیه السلام را نشانه گرفت. علی علیه السلام از اسب بر زمین افتاد و دشمنان اطرافش را گرفتند و با شمشیرهای خویش پیکرش را قطعه قطعه کردند.^{۵۴}

امام حسین علیه السلام خود را به کنار بدن علی اکبر علیه السلام رسانید؛ صورت بر صورتش نهاد و فرمود:

«پسرم! خداوند بکشد آن کسانی را که تو را کشتند چه قدر گستاخی به خدا کردند! چه قدر حرمت رسول خدا را شکستند! بعد از تو خاک بر این دنیای فانی و بی وفا.»^{۵۵}

زینب کبری علیه السلام نیز در حالی که با صوت حزینی ناله می زد «برادرم! وای پسر برادرم!» خود را بر بالین علی اکبر علیه السلام رسانید و خویش را بر پیکر او انداخت؛ اباعبدالله علیه السلام پیش آمد و او را به خیمه بازگرداند و در همان حال به جوانان فرمود: «برادران را به خیمه ببرید» و آنان چنین کردند.^{۵۶}

۵۳ - پیشین.

۵۴ - آزدی، أبومخنف؛ وقعه الطّف؛ ص ۲۴۳.

۵۵ - ابن طاووس، علی بن موسی، اللّهوف؛ ص ۱۳۸.

۵۶ - پیشین.

نتیجه:

علی اکبر علیه السلام از نظر سن، بزرگتر از امام سجاد علیه السلام بوده و در یازدهم شعبان سال ۳۳ هجری یعنی دو سال پیش از قتل عثمان تولد یافته است. پنج سال از واپسین روزهای حیات جدّ خویش، امام علی علیه السلام، را درک نموده و اخبار و احادیثی نیز از او نقل نموده است.

مادر علی اکبر علیه السلام لیلا دختر ابی مرّة بن عروّة بن مسعود ثقفی و مادر لیلا، جدّه علی اکبر علیه السلام «میمونه» بنت ابی سفیان بن حرب است.

جدّ لیلا از بزرگان و سرشناسان مکه بوده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وی را به رسول سوره یاسین تشبیه نموده است.

علی اکبر علیه السلام در روز عاشورا حدود ۲۷ سال سن داشت و هیچ دلیل صحیح و معتبری بر حضور مادر او در کربلا نیست. زنده بودن لیلا علیها السلام تا آن زمان، خود دچار تردید است. بنابراین نقل‌های مشتمل بر حضور وی در کربلا فاقد سند تاریخی است و از درجه ارزش ساقط می‌باشد.



فهرست منابع:

الف) منابع عربی:

- ۱- ابن جوزی، سبط؛ تذكرة الخواص؛ بیروت: مؤسسه اهل البيت، ۱۴۰۱ هـ. ق.
- ۲- ابن جوزی، عبدالرحمن؛ المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- ۳- اربلی، علی بن عیسی؛ كشف الغمّة الاثمه؛ بیروت: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ هـ. ق.
- ۴- ازدی، ابومخنف؛ وقعة الطف؛ تحقیق: یوسفی غروی محمدهادی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ اول، ۱۳۶۷ هجری شمسی.
- ۵- ابن شهر آشوب؛ محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب؛ بیروت: دارالاضواء، چ دوم، ۱۴۱۲ هجری قمری.
- ۶- اصفهانی، ابوالفرج؛ مقاتل الطالبین؛ قم: مؤسسه دارالکتب، چ دوم.
- ۷- بلاذری؛ احمد بن یحیی؛ انساب الاشراف؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چ اول، ۱۳۷۹ هجری شمسی.
- ۸- بلخی، ابوزید احمد بن سهل؛ البدء و التاریخ؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴ ۱۷ هجری قمری.
- ۹- حلی، محمد بن ادریس؛ السرائر؛ مؤسسه نشر اسلامی، چ دوم، ۱۴۱۰ هجری قمری.
- ۱۰- خوارزمی، ابن اخطب؛ مقتل الحسین؛ قم: انوار المهدی، چ اول، ۱۴۱۸ هجری قمری.
- ۱۱- دربندی، فاضل؛ اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات؛ بحرین: شرکت المصطفی للخدمات الثقافیه، ۱۴۱۵ هـ.
- ۱۲- دمشقی، اسماعیل بن کثیر؛ البدايه و النهايه؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسین؛ اعلام الوری بأعلام الهدی؛ قم: مؤسسه آل البيت، چ اول، ۱۴۱۷ هجری قمری.
- ۱۴- طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الامم الملوك؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چ دوم، ۱۴۰۸ هجری قمری.
- ۱۵- طریحی، فخرالدین؛ المنتخب؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۶- مالکی، ابن صباغ؛ الفصول المهمه؛ تهران: انتشارات اعلمی، چ اول، ۱۳۷۵ هجری شمسی.
- ۱۷- مسعودی؛ مروج الذهب و معادن الجواهر؛ قم، دار الهجره، چ دوم، ۱۴۰۴ هجری قمری.
- ۱۸- مقرر، سید عبدالرزاق؛ علی الاکبر؛ بیروت، دارالاضواء، چ اول، ۱۴۲۲ هجری قمری.
- ۱۹- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر؛ الاصابه فی تمییز الصحابه؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۵ هجری قمری.

(ب) منابع فارسی

- ۱- ابن ابی یعقوبی، احمد؛ تاریخ یعقوبی؛ ترجمه، آیتی، محمدابراهیم؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ هشتم، ۱۳۷۸ هـ ش.
- ۲- ابن طاووس، علی بن موسی؛ الیهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه، بخشایشی، عقیقی؛ قم، دفتر نشر نوید اسلام، چ دهم، ۱۳۸۱ هـ ش.
- ۳- رسولی محلاتی، سید هاشم؛ زندگانی امام حسین علیه السلام؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۷۲ هـ ش.
- ۴- شیخ الاسلامی، سید حسین؛ قیام سالار شهیدان؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹ هجری شمسی.
- ۵- قزوینی، صدرالدین واعظ، ریاض القدس، تهران، انتشارات اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۶ هجری شمسی.
- ۶- قمی، شیخ عباس؛ نفس المهموم؛ ترجمه، شعرانی، ابوالحسن؛ تهران، کتابفروشی اسلامی.
- ۷- کاشفی، ملاحسین واعظ؛ روضه الشهداء؛ تهران، چاپخانه خاور، چ اول، ۱۳۳۴ هجری شمسی.
- ۸- محلاتی، ذبیح الله؛ ریاحین الشریعه؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۷۰ هجری شمسی.
- ۹- مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی؛ تهران، انتشارات صدرا، چ پانزدهم، ۱۳۶۹ هجری شمسی.